

**Analysis of the "transformation of textbooks" with regard to the civilizational approach
from the perspective of the Supreme Leader**

Received: 10/6/2023

Accepted: 17/1/2024

Zahra Abyar¹

Hasan Faindpour²

(181-211)

Today, the production of science and knowledge is one of the indicators of civilization that has had a special place in the words of theorists of Islamic society after the Islamic revolution. The importance of science as a pillar of civilization is so far that the lack or deficiency of this pillar overshadows the respectability, independence, identity, security and well-being of the country. Therefore, Ayatollah Khamenei, the supreme leader of the revolution, in the last few years has been emphasizing more and more the importance of producing science and knowledge in empowering the society. Considering that the revision and reproduction of textbooks, i.e., the evolution of textbooks in educational centers, is considered one of the foundations of science production, in this article, with the qualitative method of content analysis, the evolution of textbooks with the civilizational perspective of Ayatollah Khamenei was analyzed and after going back and forth Among the themes and their analysis, 35 basic themes, eight organizing themes and finally three comprehensive themes were obtained. From Ayatollah Khamenei's point of view, the need to revise the textbooks was created in the form of three codes: "editing textbooks with a civilizational background", "problemization of textbooks" and "editing strategies". Also, "existence of exclusive view", "lack of attention to modern needs" and "weakness of expression of textbooks" play a role in creating the damage of current textbooks. By analyzing and combining the codes of compilation requirements, the transformation in "content requirements" and "appearance" was obtained. The findings, due to the fact that the categories are based on the content of the prominent scholars of contemporary seminaries and their adaptation to religious teachings and current issues, are not dependent only on the compilation of the texts of the seminaries of sisters and brothers, and the applicability in various situations, especially the planning and research organization of the country and the organization The publishing of university textbooks (Samt) has and can provide important indicators for drawing and formulating a revolutionary policy for the development of textbooks and improving the quality of the educational system.

Keywords: transformation, textbooks, modern Islamic civilization, Ayatollah Khamenei.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (corresponding author), abyar.z114@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Ayatollah Taleghani Campus, Farhangian University, Qom, Iran, hasan.fanid@yahoo.com.



واکاوی «تحول متون درسی» با نظر به رویکرد تمدنی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۰

زهرا آبیاری^۱حسن فانیدپور^۲

(۱۸۱-۲۱۱)

چکیده

امروزه تولید علم و دانش یکی از شاخصه‌های تمدن‌ساز است که پس از انقلاب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در سخنان نظریه‌پردازان جامعه اسلامی داشته است. اهمیت علم به‌عنوان رکن تمدنی تا بدانجاست که فقدان یا کاستی در این رکن، عزت‌مندی، استقلال، هویت، امنیت و رفاه کشور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. از این‌رو آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در چند سال اخیر بیش از پیش بر اهمیت تولید علم و دانش در اقتداربخشی به جامعه تأکید دارد. نظر به اینکه بازنگری و بازتولید متن درسی و به‌عبارتی تحول متون درسی در مراکز آموزشی، یکی از پایه‌های تولید علم شمرده می‌شود، در این مقاله با روش کیفی تحلیل مضمون، تحول متن درسی با نگاه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای مورد واکاوی قرار گرفت و پس از رفت‌وبرگشت بین مضامین و تحلیل آنها ۳۵ مضمون پایه، هشت مضمون سازمان‌دهنده و درنهایت سه مضمون فراگیر به‌دست آمد. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ضرورت بازنگری در متون درسی، در قالب سه کد «تدوین متون درسی زمینه‌ساز تمدنی»، «مسئله‌مندی متون درسی» و «راهبردهای تدوینی» برساخته شد. همچنین «وجود نگاه انحصاری»، «عدم توجه به نیازهای عصری» و «ضعف بیانی متون درسی» در برساخته کردن آسیب‌های متون درسی کنونی نقش دارد. با تحلیل و تلفیق کدهای الزامات تدوینی نیز، تحول در «الزامات محتوایی» و «ظاهری» به‌دست آمد. یافته‌ها

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)،

abyar.z114@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، پردیس آیت الله الطالقانی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران،

hasan.fanid@yahoo.com

به دلیل مبتنی بودن مقوله‌ها به فحوای عالم برجسته حوزه‌های علمی معاصر و تطبیق آنها با آموزه‌های دینی و مسائل روز، تنها به زمینه مجموعه تدوین متون حوزه‌های علمی خواهران و برادران وابسته نیست و قابلیت کاربرد در موقعیت‌های گوناگون، به‌ویژه سازمان برنامه‌ریزی و پژوهش کشور و سازمان نشر کتاب‌های درسی دانشگاهی (سمت)، را دارد و می‌تواند شاخص‌های مهم را برای ترسیم و تدوین خط‌مشی تحولی تدوین متون درسی و ارتقای کیفیت نظام آموزشی فراهم سازد.

واژگان کلیدی: تحول، متون درسی، تمدن نوین اسلامی، آیت الله خامنه‌ای.

۱. طرح مسئله

تمدن اسلامی معرف فرهنگ، سنت‌ها، تاریخ و باورهای جامعه اسلامی است. می‌توان نقطه آغاز این تمدن را با ظهور اسلام دانست که در بستر تاریخ فرازونشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است. اگرچه برخی باور دارند که فرهنگ و تمدن اسلامی امری تاریخی و مربوط به گذشته است، و افول و انحطاط تمدن‌ها گریزناپذیر است، (مفتخری، ۱۳۷۹: ۴) ولی گذری بر اندیشه متفکران معاصر نشان می‌دهد که با وجود جهان‌شمولی تهاجم فرهنگی و نفوذ و گسترش اندیشه فرهنگ غربی، دین اسلام ظرفیت بازسازی تمدن نوین را دارد. منظور از تمدن اسلامی آن است که همه جنبه‌های آن، انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد؛ به‌طوری‌که او بتواند نقش جانشینی خداوند را که به آن سبب، در زمین استقرار یافته است، به‌جا آورد. ارزش هر تمدنی براساس تحقق هدف نهایی انسان در زمین مبتنی است نه چیز دیگری (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). به بیانی دیگر، «تمدن اسلامی براساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به‌سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد». (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹)

برای احیای این تمدن با نظر به ظرفیت دین اسلام، توجه به ابعاد تمدن اسلامی نیاز است. تمدن اسلامی دارای دو بخش ابزاری و اصلی است که بدون پیشرفت در بخش اصلی، نمی‌تواند ما را رستگار کند و به امنیت و آرامش روانی برساند. بخش ابزاری و سخت‌افزاری تمدن اسلامی همان ارزش‌هایی است که به‌عنوان پیشرفت کشور همچون

علم، اختراع، صنعت، سیاست و اقتصاد. مطرح می‌شود. بخش اصلی، حقیقی، متن و نرم‌افزاری تمدن اسلامی چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد که مصادیق آن سبک زندگی، سبک ازدواج، نوع لباس، مسکن و الگوی مصرف و... است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

با واکاوی سخنان اندیشمندان معاصر روشن می‌شود که تلاش علمی و شکستن مرزهای علم به‌عنوان یکی از ارکان تمدن‌ساز تلقی می‌شود. به تعبیری، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی از مسیر علم می‌گذرد. ازاین‌رو، اقتدار جامعه در دست صاحبان علم است. تولید علم از جمله مؤلفه‌های مهم در کسب اقتدار علمی شمرده می‌شود. بنابراین، باید علم را فراگرفت و نباید تنها مصرف‌کننده بود. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹)

تولید علم دارای مبانی و اصولی است، ولی می‌توان یکی از مصادیق آن را «بهسازی و بازنگری در متون درسی» دانست. بدین صورت که با ترسیم چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی متناسب با نیازهای عصری، بایستگی‌هایی را پیش‌روی متولیان و مجریان در حوزه علوم انسانی گشوده شده است.

محتوای متون درسی به منزله «غذا» برای معده و وجود آدمی است. همان تأثیری که تغذیه بر رشد یا انحطاط جسم باقی می‌گذارد، محتوای آموزشی نیز بر رشد یا انحطاط فکر و روان یادگیرنده به‌جا می‌نهد. شاید آیه ۲۴ سوره عبس «پس آدمی باید به خوراک خود بنگرد» ناظر به همین موضوع باشد که باید به‌درستی فهمید از چه چیزی و چگونه تغذیه می‌شود. (ملکی، ۱۳۹۶) به‌دلیل تأثیر کتاب درسی (به‌ویژه در نظام‌های آموزش متمرکز) به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار آموزشی، لازم است کتاب‌های درسی مطابق با اصول و معیارها خاصی تألیف و تدوین شود. (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۶: ۱۰۵)

با بررسی کتاب‌های درسی موجود، روشن می‌شود هر مؤلفی شیوه خاصی در تألیف کتاب درسی دارد. به‌طوری‌که به ندرت می‌توان دو کتاب درسی پیدا کرد که دست‌کم از لحاظ ساختار شبیه به هم باشد. حتی گاهی شاهد هستیم یک مؤلف دو عنوان کتاب خود را

با شیوه‌هایی به‌طور کامل متفاوت تدوین می‌کند؛ بنابراین، مؤلفان علاوه بر دانش تخصصی در ماده درسی، برای تدوین کتاب درسی مطلوب، به معیارهای نیاز دارند که برحسب جنسیت، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی و همچنین شرایط زمانی و مکانی و براساس مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی تدوین شده باشد.

محتوا مهم‌ترین بخش برنامه درسی است. پوسن^۱ بر این باور است که برخی از صاحب‌نظران آن را قلب برنامه درسی می‌دانند. همچنین به‌عنوان یکی از جنبه‌های برنامه درسی به معنای عناصر دانش، مهارت‌ها، فرایندها و نگرش‌هایی است که از طریق تجربه‌های یادگیری انتخاب و سازماندهی می‌شود و سپس در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد. محتوای درسی همان حقایق و اصول و مسائلی است که در درسی خاص گنجانده و به‌طور معمول در قالب کتاب درسی به فراگیران منتقل می‌شود. به عبارتی، کتاب درسی متنی است که با هدف آموزش بخش خاصی از دانش یا مهارت‌ها برای سطح معینی از یادگیرندگان در نظام آموزشی تهیه می‌شود. (همان)

با اینکه درباره کتاب درسی، دانش مستقلاً وجود ندارد، ولی می‌توان محتوای کتاب درسی را به دو بخش محتوای علمی یا موضوع درسی و محتوای اجتماعی تقسیم کرد. منظور از محتوای موضوع درسی یا محتوای علمی، مجموعه اطلاعات، آگاهی‌ها و مهارت‌هایی است که فراگیر باید آن را در دوره‌ای خاص در زمینه موضوع خاص به‌دست آورد. بنابراین، محتوای علمی علاوه بر دانش و اطلاعات درسی که موضوع اصلی است، مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و دیگر مهارت‌های کلی را شامل می‌شود. (جمالی، نصر، آرمند و نیلی، ۱۳۸۸)

علاوه بر محتوای علمی، محتوای تربیتی و اجتماعی مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که از طریق محتوا انتقال می‌یابد و شامل این موارد است:

۱. نگرش‌ها و ارزش‌های متنوع جامعه، مانند مذهب، نژاد، مسائل اقتصادی اجتماعی و سیاسی؛

۲. در نظر گرفتن ارزش‌هایی مانند شهروندی، احترام به قانون و تساوی همهٔ نژادها و اقتضائات گروه‌های مذهبی و جنسیتی؛

۳. تأکید بر تقویت ارزش‌های دینی و اعتقادی و ارزش‌های معاصر جامعهٔ محلی و ملی.
(همان)

باید در نظر داشت که محتوای علمی و تربیتی (اجتماعی) بسیار درهم تنیده شده‌اند و تفکیک آنها از هم ممکن نیست. دربارهٔ چگونگی حل این موضوع و حتی تعریف مفهوم کتاب درسی، توافق نظری بین صاحب‌نظران وجود ندارد. (نیک‌نفس و علی‌آبادی، ۱۳۹۲) از این‌رو، بهسازی و بازنگری در متن درسی در حوزهٔ علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش و پرورش یکی از پایه‌های تحول کلان‌نگر در این عرصه است؛ یعنی تحول برآیندی چندسویه است که زوایای گوناگونی دارد. یکی از این زاویه‌ها، تلاش در تدوین متون جدید درسی متناسب با تحولات و فناوری کارآمد است. متن درسی هرچند در پیوستاری می‌تواند جزئی از این تحول باشد؛ ولی جایگاه خاصی در فرایند حوزهٔ علمیه، مراکز آموزش عالی و آموزش و پرورش را به خود اختصاص داده است. بدین معنی که هنگامی تلاش‌های مسئولان مراکز آموزشی برای تأمین نیازهای فکری - فرهنگی همسو با دین به نتیجهٔ مطلوب می‌رسد که برون‌داد این مراکز آموزشی از شایستگی دانشی و لازم برخوردار باشند. برای دستیابی به این مهم، داشتن متون درسی پربار و هدفمند متناسب با نیازهای جامعه لازم است؛ از این‌رو، می‌توان متون درسی را نقطهٔ اصلی تحول در جامعه دانست؛ به گونه‌ای که تحولات اثرگذار دیگر در پرتو این بازنگری صورت خواهد پذیرفت.

نظر به جایگاه بازنگری و تحول در متون درسی در ارتقای تمدن نوین، باید توجه داشت که امروزه انقلاب ارتباطات، پیشرفت فناوری را همگام با نیازهای انسان امروزه، شتاب بخشیده است و سبب شده بستری برای نشر افکار به‌صورت فرامرزی با درهم‌تنیدگی افق‌های علوم و میان‌رشته‌ای‌ها، ایجاد شود. مسائل و شرایط نوازشویی و توسعهٔ علوم کنونی از سوی دیگر، به‌روزرسانی متون دانشی را در ساختاری تازه می‌طلبد. این به‌روزرسانی در متون درسی مراکز آموزشی، با توجه به محوریت قرآن کریم، بازنگری در ساختار احادیثی از

حیث دالت، سند و خانواده حدیثی، بازخوانی متون اخلاقی و حقوقی متناسب با نیازهای زمان و ارتباط آن با دانش‌های نوین دیگر را از اقتضائات دوره کنونی قرار داده است.

این ضرورت در چند دهه گذشته موردتوجه متفکران و اندیشمندان نظام جمهوری اسلامی بوده است. از این رو، بازنگری، تألیف و تدوین کتاب‌های درسی مراکز آموزشی، با نظر به رشد سریع علوم و فناوری، تغییر سریع در هنجارها و گاه ارزش‌های اجتماعی به عنوان اولویت نهادهای آموزشی قرار گرفته است. اکنون پرسش این است که با نظر به این مهم، از دیدگاه اندیشمندان و متفکران انقلاب اسلامی (مقام معظم رهبری)، تحول در این عرصه، چه ضرورتی دارد؟ و آسیب‌های متون درسی کنونی چیست؟ در نگاهی دیگر برای دستیابی به تدوین کتاب‌ها مطابق استانداردهای علمی، چه الزامات تدوینی باید موردتوجه قرار گیرد؟ باتوجه به همین مسئله است که در این پژوهش کوشش شد تا تحول در متون درسی حوزه از دیدگاه برجسته‌ترین اندیشمند نهاد دینی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، مورد واکاوی قرار گیرد تا روشن شود که حوزه‌های علمیه، مراکز آموزش عالی و آموزش و پرورش تاکنون چقدر توانسته است خود را در اهداف تعیین شده، به استانداردهای آموزشی نوین نزدیک کند.

اگرچه در زمینه تحول در متون درسی، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، ولی به برخی پژوهش‌ها که تا حدودی به این کار ارتباط می‌یابد اشاره می‌شود: کارآمد (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان «در جست‌وجوی راهکارهای تدوین متون درسی»، که در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی به چاپ رسانده است، به معیارهایی برای تألیف و تدوین متون درسی پرداخته است. وی در این کتاب در پی آن بوده است تا با استفاده از مباحث مطرح شده در نشست‌ها، کارگاه آموزشی و منابع موجود در زمینه برنامه‌ریزی درسی، آیین‌نامه‌ای برای نویسندگان کتاب‌های درسی در سطح آموزش عالی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه) تنظیم کند. در فصل نخست این کتاب، به ماهیت کتاب درسی، انگیزش، نظام یادگیری و جغرافیای مفهومی؛ در فصل دوم به مراحل تدوین کتاب، طراحی چهارچوب کلی و سازماندهی ساختار کتاب درسی و در فصل سوم به آیین‌نامه تدوین کتاب درسی اشاره شده است. در فصل چهارم نیز الگوی عملی تولید و طراحی کتاب را معرفی می‌شود.

رضوی (۱۳۸۹) در مقاله کوتاهی با عنوان «درباره تحول در حوزه علمی به مناسبت مطالبات مقام معظم رهبری در مسافرت به قم» اشاره‌ای به تحول در متن درسی حوزه‌ها داشته است. احمدی (۱۳۹۱) در مقاله «تحول در سیستم حوزه علمی تمدن‌ساز برای تولید سیستم‌های اسلامی (ظرفیت‌های تمدن‌سازی) به صورت اجمال یکی از ظرفیت‌های سیستم تمدن‌ساز را تحول در متن علمی دانسته‌اند. ناصری راد (۱۳۹۰) در مقاله کوتاه خود با عنوان «متون درسی و نقش آن در تحول حوزه» به ضرورت و اهمیت تحول متون درسی سخن گفته‌اند. در زمینه تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز آثار متعددی چون اکبری و رضایی (۱۳۹۴)، یاقوتی (۱۳۹۸) و دیبایی صابر و دیگران (۱۳۹۹) به این مؤلفه‌ها پرداخته‌اند.

وجه تمایز این مقاله با آثار نام‌برده این است که پرداختن به مسئله تحول در متون درسی حوزه در اندیشه مقام معظم رهبری با رویکردی کیفی و اهمیت آن در تمدن‌سازی مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهشگران در این پژوهش با پیش‌فرض گرفتن اهمیت تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، واکاوی تحول در متن درسی را به عنوان یکی از مؤلفه‌ها، تبیین خواهند کرد.

۲. روش پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های در این قسمت از سایت (KHAMENEI.IR) پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که در مرحله نخست، تمام بیانات معظم له از زمانی که تحول در متون درسی را مطرح کرده‌اند تاکنون با کلیدواژه‌های «متون درسی»، «متون»، «تحول» و «تمدن‌سازی» گردآوری و مطالعه شد.

امروزه با رشد سریع پژوهش‌های کیفی در سال‌های اخیر، گامی مثبت برای درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی برداشته شده است. کسب نتایج مفیدتر در پژوهش‌های کیفی با استفاده از ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیلی امری امکان‌پذیر است. یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی که اهمیت بسیاری دارد،

تحلیل مضمون^۱ است. تحلیل مضمون هرچند خود روش مستقل تحلیلی است، ولی می‌توان از آن در دیگر روش‌های تحلیل کیفی چون تحلیل روایت، تحلیل نشانه‌شناختی، نظریه زمینه‌ای نیز بهره گرفت. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶) این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد که تم‌ها یا مضامین آشکار و پنهان متن را جست‌وجو و سپس آن را تفسیر کند. تحلیل مضمون رونوشت‌های مصاحبه‌ها و محور یافته‌های پژوهش پیش‌روست؛ به عبارتی تحلیل مضمون محوری تحلیلی استقرایی است که طی آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها، الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای، به سنخ‌شناسی تحلیلی دست پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، تحلیل مضمون محور عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که عبارت‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست. (محمدپور، ۱۳۸۸؛ Thomas, Harden, 2008)

۱-۲. گام نخست: گردآوری اطلاعات و تقطیع متن به واحدهای معنادار

روش گردآوری اطلاعات بدین صورت بود که با مراجعه به سایت مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای، داده‌های متنی، اعم از سخنرانی‌های مکتوب و جلسات پرسش و پاسخ با جوانان گردآوری شده است. این داده‌های متنی، متناسب با واژه‌های مرتبط چون معنویت، عقلانیت، معنوی، ایمان، مورد جست‌وجو قرار گرفت. در مطالعه اولیه، مطالب مرتبط دسته‌بندی شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، در تحلیل مضمون سه مرحله کلان تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن را ادغام و یکپارچه کرد.

۲-۲. گام دوم: کدگذاری

در دومین گام بعد از انتخاب واحدهای معنادار، برچسب‌زنی به جمله‌ها و پاراگراف‌هایی معنادار انجام شد. در این مرحله پس از دست یافتن به مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر باتوجه به مضامین پایه، در سطح انتزاعی به دست آمد. در این مرحله از تحلیل مضمون کوشش شد با سازماندهی دوباره مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای در جدول، مضامین سازمان‌دهنده در سطح دیگری از انتزاع استخراج شود. این سطح از

مضامین ما را به سوی مضامین سطح بالاتر در نردبان انتزاع هدایت می کند که بدان مضامین فراگیر گفته می شود. هدف پژوهشگران در این مرحله این است از مجموعه به دست آمده، مفاهیم مرتبط شناسایی شود تا تفسیری بنیادین در راستای مفاهیم فراگیر حاصل شود.

۲-۳. گام سوم: ترسیم شبکه مضامین

در گام سوم نوبت به ترسیم شبکه اصلی مضامین و استخراج الگوی مفهومی است. پس از رفت و برگشت بین مضامین و تحلیل آنها به ۳۵ مضامین پایه، هشت مضمون سازمان دهنده و در نهایت سه مضمون فراگیر به دست آمد که به نظر می رسد از وجه جامعیت معنایی مناسبی برای تبیین معنویت در بیانات مقام معظم رهبری برخوردار است.

۲-۴. گام چهارم: اعتباریابی داده ها

در اعتباریابی درونی داده ها از نمونه گیری هدفمند (معیاری) و غیراحتمالی استفاده شد. بدین شکل که نخست با هشت نفر از استادان فناوری آموزشی و سپس هشت نفر از متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی از بین استادان حوزوی مصاحبه (نیمه ساختارمند) انجام شد. در این مرحله، درباره مقوله ها، زیر مقوله ها پرسش هایی مطرح شد؛ سپس با توجه به نقد و بررسی متخصصان مربوط، اصلاحات لازم اعمال شد. به عبارتی، برای اعتبارسنجی مضامین از روایی تفسیری استفاده شد که در آن، مضامین در اختیار صاحب نظران قرار گرفت و برخی کدها تغییر و اصلاحات نهایی انجام شد.

۳. یافته های پژوهش

نظر به اینکه هدف اصلی این پژوهش اهمیت تحول در متون درسی به عنوان رکن تمدن ساز است، کدهای سازمان دهنده «ضرورت بازنگری در متون درسی»، «آسیب های متون درسی فعلی» و «الزامات تدوینی» از جمله یافته هایی است که از تحلیل مضمون سخنان مقام معظم رهبری به دست آمد که در ادامه، به این مؤلفه ها پرداخته می شود:

۱-۳. ضرورت بازنگری در متون درسی

واکاوی سخنان مقام معظم رهبری نشان می دهد که ایشان ضرورت بازنگری و تدوین

دروس حوزه علمیه و جوامع علمی چون دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش را در نظر دارند، اگرچه ایشان بیش از پیش بر حوزه علمیه متمرکز می‌شوند. باتوجه به نقش و جایگاه مهمی که حوزه علمیه به عنوان رکن تمدن‌سازی دارند، ایشان این رسالت خطیر «تحول تمدن‌آفرین» را از حوزه علمیه آغاز می‌کنند. با همین نگاه، «متون درسی؛ زمینه‌ساز تمدنی»، «مسئله‌مندی تدوین متون درسی» و «راهبردهای تدوینی» از مهم‌ترین کدهایی است که در این ضرورت واکاوی شد که در جدول شماره ۱ آمده است.

مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
بازنگری در متون آموزشی عامل افزایش نفوذ و تأثیرگذاری حوزه	تدوین متون، زمینه ساز تمدنی	ضرورت بازنگری در متون درسی
تربیت نسل جوان براساس تدوین متون انقلابی		
متون درسی ابزار تمدن مادی؛ تمدن عامل سعادت بشریت		
تهیه محتوای آموزشی برای جامعه		
لزوم بازنگری مداوم متون درسی	مسئله مند ی متون درسی	
متن درسی یکی از مشکلات حوزه		
برطرف ساختن پیوسته نقص های متون درسی		
توجه دائمی به تحول در متون درسی حوزه		
واجب بودن تکمیل برنامه درسی حوزه		
اصلاح یا تکمیل متون درسی، اقدام لازم		
لزوم فوری پرداختن به تدوین درسی		
اقدام تشکیلاتی		
تشکیل گروه های تدوینی در حوزه		
مدیریت نوآوری در کار جمعی		
تولید کتاب درسی در حوزه		

جدول شماره ۱: کدهای «ضرورت بازنگری در متون درسی»

تدوین متون زمینه‌ساز تمدنی: انقلاب اسلامی ایران، باتوجه به خاستگاه و اهداف والایی که از آغاز همواره مترصد آن بود، پیش از آنکه انقلابی سیاسی و اقتصادی باشد، انقلابی تعالی‌خواه، تحول‌گرا و فرهنگی است. هدف نهایی این انقلاب بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، دستیابی به تمدن اسلامی در زنجیرهای منطقی و مستمر است که بر چهار پایه دین، عقلانیت، علم و

اخلاق بنا شده است؛ به گونه‌ای که برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی پشت سر گذاشته شود؛ (بیانات، ۱۳۹۵/۲/۶). ولی بدون نظریه‌پردازی و تولید فکر امکان شکل‌گیری تمدن اسلامی در این زنجیره وجود ندارد. از این رو تولید فکر در درجه نخست تمدن‌سازی دانسته شده و برای آن می‌توان نقشی حیاتی و تاریخ‌ساز قائل شد. (بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸) اکنون باتوجه به نقش علم در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از میان علوم گوناگون، علوم انسانی اهمیت ویژه‌ای قائل دارد.

این اهمیت تا بدانجاست که می‌توان گفت تحول علوم انسانی از جمله مسائل مهمی است که در کشور ما بعد از وقوع انقلاب اسلامی به صورت جدی مطرح و مطالبه شده است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام، از سویی به عنوان اندیشمند دینی و مرجع تقلید و مجتهد جامع الشرایط، با اندیشه اسلامی آشنایی عمیقی دارند و از سویی دیگر پیش و پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده حضرت امام علیه السلام در دانشگاه‌ها، ارتباط گسترده‌ای با دانشگاه و دانشگاهیان داشته‌اند و همچنین به سبب مسئولیت‌های اجرایی متعدد پیش از عهده‌دار شدن مسئولیت زعامت و رهبری ایران اسلامی، شناخت متناسبی با ساختارهای اجرایی کشور دارند؛ از این رو به جرئت می‌توان ادعا کرد که اندیشه معظم له بهترین رهنمودها و گره‌گشایی‌ها را برای تحول در لایه‌های جامعه دارد.

ایشان از پیشگامان دعوت‌کننده به بازنگری و تحول در علوم بوده‌اند، به طوری که پیش از رسیدن به جایگاه رهبری علیه السلام از حامیان فعالیت‌های مربوط به انقلاب فرهنگی، اسلامی شدن دانشگاه‌ها و همکاری‌های حوزه و دانشگاه بوده‌اند. ایشان در همان سال نخست رهبری خویش، بیانات مهمی درباره وحدت حوزه و دانشگاه بیان کردند. (بیانات، ۱۳۶۸/۹/۲۹) براساس مطالب منتشرشده نخستین مطالبه رسمی خود را مبنی بر لزوم تحول در علوم انسانی در سال ۱۳۷۱ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کردند. ایشان ضمن بیان عقب‌ماندگی کشور در تحول بخشیدن به علوم انسانی، بر لزوم تحول اساسی بخشیدن به علوم انسانی تأکید کردند. (بیانات، ۱۳۷۱/۹/۱۹) این تحول‌خواهی در علوم به دانشگاه اختصاص نداشت، بلکه معظم له تحول در حوزه را نیز مطالبه کرده‌اند.

بازنگری متون درسی حوزه‌ها یکی از زمینه‌های تحول‌خواهی است که در سخنان مقام معظم رهبری به آن توجه شده است. تحول یا فرایند تغییر به تغییری گفته می‌شود که شکل‌دهنده فرهنگی در درون گروه باشد. براساس تعریف‌های متعدد، واژه تحول به تغییرات درونی و بیرونی در سازمان اشاره دارد. (نوید ادهم، ۱۳۹۱) مقام معظم رهبری تحول را «به‌روز بودن، به‌هنگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن» می‌داند که حوزه و دانشگاه‌های ما در برهه زمان کنونی تا حدودی عقب است که می‌تواند با سرعت لازم و با جدیت این عقب‌ماندگی را جبران کند (بیانات، ۱۳۸۶/۹/۸). این تحول‌خواهی، حرکتی جدید و گریزناپذیر است که به برنامه‌ریزی، هدایت و مدیریت نیاز دارد.

تحول و دگرگونی یک امر قهری است؛ پیش می‌آید. بزرگان حوزه، مراجع تقلید، اندیشمندان، دانشمندان و فضلا باید دامن‌ها را به کمر بزنند، همت کنند، این تحول را برنامه‌ریزی کنند، هدایت کنند، مدیریت کنند؛ بنابراین معنای اساسی تحول این است: حرکت نوبه‌نوی محتوایی. (بیانات، ۱۳۷۱/۹/۱۹)

علاوه‌بر ناگزیر بودن، سنت الهی و دستاورد طبیعی نظام هستی بودن نیز از دیگر ویژگی‌های تحول است. چنانچه معظم له بدان توجه داشته‌اند و می‌فرمایند: «تحول اجتناب‌ناپذیر است. تحول، طبیعت و سنت آفرینش الهی است». (بیانات، ۱۳۸۶/۸/۹) از دیدگاه معظم له باوجود چنین خصیصه‌ای، در صورتی که حوزه‌های علمیه از این سنت الهی پیروی نکنند و به تعبیری بگریزند، در کمترین حالت آن، نتیجه‌ای جز منزوی شدن نخواهد داشت: «اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد؛ اگر نمیرد، اگر زنده بماند. البته مایه دین مانع مردن می‌شود، ولی منزوی خواهد شد؛ روزه‌روز منزوی‌تر خواهد شد». (بیانات، ۱۳۸۶/۸/۹)

آنچه در اینجا به توجه جدی نیاز دارد این است که آیا هر نوع تحولی را باید در حوزه پذیرفت؟ مقام معظم رهبری معتقدند نگاه تحولی همیشه دو طیف صحیح و باطل دارد. (بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹) منظور از تحول درست و مثبت «انطباق فعالیت‌های علمی با نیازهای روز» است.

یک چیزهایی هست که مردم ما به آنها احتیاج دارند، پاسخش را از ما می‌خواهند؛ ما باید آنها را فراهم کنیم. یک چیزهایی هم هست که مردم احتیاجی به آنها ندارند؛ زیاد کارشده، زیاد تلاش شده؛ خودمان را سرگرم آنها نکنیم. اینها خیلی مسائل اساسی و مهمی است. ما از دانشگاه‌ها می‌خواهیم که فعالیت خودشان را با نیازهای جامعه تطبیق دهند. با دانشگاه، با اساتید، با دانشجویها که مواجه می‌شویم، این را مکرر از اینها می‌خواهیم؛ می‌گوییم رشته‌های علمی‌تان را بر نیازهای جامعه منطبق کنید، ببینید چه لازم داریم. این در مورد حوزه‌ها به طریق اولی صادق است. (بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

رسالت اصلی حوزه‌های علمیه، مدیریت تحول در جنبه درست آن است. (بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹) منظور از مدیریت این است که حوزه علمیه دارای میراث گران‌بهایی از روش‌ها و تجربه‌ها و اندوخته‌های علمی است. برای بهره بردن از این میراث فنی و علمی و افزودن بر آن، باید از نیروی ابتکار و خلاقیت استفاده کرد. همان‌گونه که اسلاف صالح نیز با ابتکار و خلاقیت خود توانستند دانش‌های دینی را به سطح کنونی برسانند. حوزه باید راه را بر نوآوری علمی و فنی باز کند و تازه‌های بازار رایج علم دین را به چشم تقدیر بنگرد و صاحبان آن را تشویق کند و درعین حال، تصرف ناشیانه و خودسرانه در بنیادهای سنتی را مجاز نشمرد و به اعمال‌نظرهای جاهلانه و مغرضانه، میدان رشد و جولان ندهد. (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴)

بنابراین، تحول امری تدریجی و روبه کمال است، نه به معنای ساختارشکنی همه‌جانبه و تغییر خط‌مشی‌های اصلی. به بیانی دیگر، تحولی مطلوب و درست است که باتوجه به آسیب‌ها، در پی ایجاد ساختاری تازه با حفظ ارتباط خود با گذشته بتواند به کارآمدی لازم برسد زیرا «اگر تحول را به معنای تغییر خطوط اصلی حوزه‌ها بدانیم - مثل تغییر متد اجتهاد - قطعاً این یک انحراف است. تحول است، ولی تحول به سمت سقوط». (بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

معظم له معتقدند که همین نکته درباره سنت‌های ساختاری حوزه و شیوه‌های تعلیم و تعلم نیز جاری است؛ یعنی در این عرصه، بسی اندوخته‌های ارزشمند وجود دارد که مزایای

نظام حوزه‌ای به‌شمار می‌آید و در هر تحول ساختاری باید محفوظ بماند؛ ولی توجه به تحول‌خواهی، نباید موجب ضایع شدن مدعای حق دیگری شود و آن را به فراموشی بسپارد. به عبارتی، حوزه برای پیشرفت خود، باید از ابزارها و روش‌های متداول در محیط‌های علمی استفاده کند و از امکاناتی که بشر را در کسب علم موفق‌تر می‌سازد، خود را محروم نسازد. در دنیایی که تازه‌های ابزاری و ساختاری، به دانش‌پژوهان فرصت می‌دهد که تازه‌ترین دستاوردهای ذهن بشر را به‌آسانی کسب کنند، روا نیست که طالب علم دین، راهی به نوآوری در روش‌های ناقص و معیوب نداشته باشد. (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶/۸/۲۴) از این رو، هرگونه افراط در این زمینه موجب گسست تجربه نسلی و از دست دادن مآثر گذشتگان خواهد بود و این خود آسیب‌های بسیاری را در پی دارد. یکی از آنها بازگشت به عقب است که مقام معظم رهبری آن را «غلط اندر غلط» توصیف می‌کند:

تحول به معنای رها کردن شیوه‌های سنتی بسیار کارآمد حوزه در تعلیم و تعلم و تبدیل این شیوه‌ها به شیوه‌های رایج دانشگاهی امروز نیست؛ این چنین تحول و تغییر و دگرگونی‌ای غلط اندر غلط است؛ این عقب‌گرد است. (بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

علاوه بر توجه و تکیه به میراث‌ها و دستاوردهای علمی گذشتگان، مقام معظم رهبری در روند مدیریت این تحول، ضرورت حرکت نوشونده محتوایی را با «پرهیز از رقیق شدن مایه‌های علمی» و «قرار نگرفتن طلبه در خلأ علمی» گوشزد می‌کنند:

باید تحول مدیریت شود. باید توجه شود که مایه علمی رقیق نشود، سطح مطلب شیخ پایین نیاید، سطح مطلب آخوند در اصول پایین نیاید. طلبه در خلأ دانایی نسبت به این مبانی که امروز در فقه و اصول ما عناصر مهم و اثرگذاری هست، قرار نگیرد؛ طلبه در خلأ قرار نگیرد. (بیانات، ۱۳۸۶/۹/۸)

بنابراین، ایجاد ساختار و مدیریت ویژه تحول در حوزه از جمله الزامات تحول یا به عبارتی شرط لازم (نه کافی) برای تحقق این امر خطیر است. منظور از ایجاد ساختار و مدیریت ویژه (بیانات، ۱۳۸۹/۶/۱۴) ساختار یا سازمانی است که مدیریت تحول را برعهده گرفته و اقدامات مدیریتی لازم مانند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی را برای تحقق این هدف انجام دهد.

مسئله‌مندی بازنگری متون درسی: بازنگری در متون درسی از ضروریات اساسی حرکت روبه‌رشد و افزایش نفوذ و اثرگذاری حوزه‌های علمیه است که در فضای رشد سریع تحولات و فناوری نوین مورد اهتمام ایشان قرار گرفته است. منظور از اثرگذاری و نفوذ نقش تربیتی است که متون درسی در انتقال ارزش‌ها و معارف اسلام و انقلاب می‌تواند داشته باشد. نظر به همین مسئله است که ایشان «جهت‌دهی صحیح به علم و عالم» را ابزار تمدن مادی دانسته، با ذکر شواهد تاریخی بدبختی یا خوشبختی جوامع را در گروه همین امر می‌داند:

علم و عالم در تمدن مادی وسیله بدبختی انسان شد؛ وسیله تولید بمب اتم شد، وسیله تولید سلاح شیمیایی شد، وسیله تولید ویروس‌های خطرناکی شد که امروز متأسفانه قدرتمندها از طرق مختلف دارند آنها را در جسم و جان جوامع داخل می‌کنند؛ علم این‌جوری شد؛ علم منحرف شد؛ علم، در جهت درست، در جهت نفع، در جهت کمال انسان [باشد]. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۶/۳/۱۷)

ضرورت پرداختن به تدوین آموزشی متون درسی حوزه، یکی از مصادیق این جهت‌دهی درست است که از نظر معظم‌له نه تنها برعهده دانشگاه، آموزش و پرورش، بلکه مهم‌تر از همه برعهده حوزه‌های علمیه است:

همه مجموعه دانشگاه - مدیران دانشگاه، از وزیر محترم گرفته تا رؤسای دانشگاه‌ها، استادها، دانشجوها، متون درسی، فرآیندهای آموزشی، کارگاه‌ها و مانند اینها؛ همه اینها - باید در این چهارچوب قرار بگیرند؛ یعنی بایستی تولید علم، تولید عالم و جهت‌دهی صحیح [صورت بگیرد]. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۶/۳/۱۷)

نظر به همین اهمیت است که از نظر ایشان، تدوین متون درسی حوزه به مسئله تبدیل شده است و در حد انجام فریضه و واجب، حوزه علمیه موظف به بازنگری فوری و پیوسته در این زمینه است: «اصلاح یا تکمیل نظام آموزشی و تغییر برخی از متون درسی یکی از اقدامات لازمی است که باید در حوزه انجام شود». (بیانات، ۷۶/۶/۲۹)

در بیانات مقام معظم رهبری، همچنین اصلاح یا تکمیل نظام آموزشی نیازمند «راهبردهای تدوینی» است. «تشکیل کارگروه تدوینی» یکی از این راهبردهاست؛ بدین معنی که اگرچه کارهایی به صورت انفرادی در عرصه تدوین کتاب‌های درسی در حوزه انجام شده است؛ ولی ایشان معتقدند کار فردی به نتیجه نمی‌رسد؛ از این رو انجام چنین کارهایی بر حوزه فرض است که به صورت هیئتی تشکیل شده از اعضای تدوینی صورت گیرد: «هیئت‌هایی برای نوشتن کتاب، نوشتن مطالب جدید، فقه‌مقارن را در حوزه باب کردن، و خلاصه روش‌های نور را در کتاب‌های درسی هم به کار گرفتن، باید اختصاص پیدا کند». (بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

پس از اقدام تشکیلاتی، ایشان بر این باورند که در عرصه متون درسی «نوآوری و نگارش کتاب جدید» نیز از طریق همین اعضا و گروه‌ها صورت گیرد که «کتاب درسی جدید تولید کنید. چه اشکالی دارد که عده‌ای بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) آنچه از دو مورد ذکر شده مهم‌تر است «مدیریت نوآوری در کار جمعی» است. چنانچه پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، تحولی زمانی به نتیجه می‌رسد که مدیریت شود.

این تحول به محقق کردن آرمان‌های اسلامی، حل مسائل بومی کشور و برنامه‌ریزی برای کشور مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی منجر می‌شود. شرایط خاصی که وقوع این فرایند را تسهیل می‌کند، پذیرش ضرورت بازنگری با توجه به نیازهای عصری است و این امر با ایجاد ساختار و مدیریت ویژه تحول در این عرصه امکان‌پذیر است که در ادامه، به بیانات مقام معظم رهبری به این الزامات اشاره خواهد شد.

راهبردهای تدوینی: یکی از کدهایی که با تحلیل سخنان مقام معظم رهبری در این قسمت به دست آمد ضرورت توجه به «راهبردهای تدوینی» است که با نظر به برخی چاره‌اندیشی‌ها همراه است. ایشان توجه به «اقدامات تشکیلاتی» را یکی از این راهبردها می‌دانند و می‌فرمایند: «کار فردی به جایی نمی‌رسد؛ کار باید جمعی باشد؛ باید بر حوزه فرض بشود؛ باید مثل قالبی گذاشته شده باشد». (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

در همین زمینه، لازم است نخست، مجموعه‌ها و سازمان‌های متولی تدوین متون، تشکیل کارگروه‌های تدوینی را در دستور کار خود قرار دهند تا بتوانند با نظر به نیاز روز اقدام به بازسازی یا تولید محتوای جدید کنند: «هیئت‌هایی برای نوشتن کتاب، نوشتن مطالب جدید، فقه‌مقارن را در حوزه باب کردن، و خلاصه روش‌های نو را در کتاب‌های درسی هم به‌کار گرفتن، باید اختصاص پیدا کند». (بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

باید توجه داشت که تولید کتاب درسی گاه بدین صورت است که کتابی از آغاز تولید می‌شود و گاه نیازمند «تولید کتاب درسی هم‌عرض» احساس می‌شود. ازین‌روست که مقام معظم رهبری بر تولید این‌گونه کتاب‌ها تأکید می‌کنند: «کتاب درسی جدید تولید کنید. چه اشکالی دارد که عده‌ای بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

نه‌تنها بازنگری در متن درسی ضرورت دارد، بلکه در برخی موارد به تولید محتوای تازه نیاز است و باید این امر در دستور کار متولیان امور درسی مراکز آموزشی قرار بگیرد. به تعبیری «مدیریت نوآوری کار جمعی» یکی از راهبردهای تدوینی است که معظم له بدان توجه دارند:

نوآوری کنیم. مگر می‌شود این همه مجموعه انسانی با این عظمت و با این همه استعداد، در کتاب درسی نوآوری نداشته باشد؟ این همه کارها را چه کسی باید بکند؟ این کارها را بایستی مدیریت حوزه بکند. البته کارهای فردی انجام گرفته است؛ فرد مخلص، مصلحی، دلسوزی، کتابی نوشته؛ کتابی تلخیص کرده؛ کتاب نویی آورده؛ درس جدیدی گفته؛ مطلب تازه‌ای آورده. (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

۲-۳. آسیب‌های موجود در متون درسی

تدوین متون درسی نیازمند ملزوماتی است. منظور از ملزومات، آگاهی به نیازها و کمبودهایی است که زمینه را برای تحول در متون درسی فراهم می‌کند. این آسیب‌ها و کاستی‌ها موجود در متون درسی در سخنان مقام معظم رهبری در جدول شماره ۲ آمده است که به‌صورت تفصیلی در ادامه بدان خواهیم پرداخت:

مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
پرهیز از تعصب در بهره گیری از متون درسی	وجود نگاه انحصاری	توسعه تفکر انتقادی
پرهیز از پافشاری بر سبک متون گذشته		
عدم جمود در متون درسی		
عدم نیاز به برخی متون حوزوی	بی توجهی به نیازهای عصری	
بی نیاز به برخی مقدمات در متون حوزوی		
توجه نکردن به نیاز فراگیران		
پیچیدگی بیهوده مطالب	مغلق بودن متون درسی	

جدول شماره ۲: کدهای «آسیب های متون درسی»

وجود نگاه انحصاری: نظر به رسالت اصلی حوزه علمیه، که ترویج علوم اسلامی است، «وجود نگاه انحصاری» به موضوعات تدریسی از مهم ترین آسیب هایی است که متوجه این مراکز خواهد بود. مقام معظم رهبری با نگاه تحولی خود به این نمونه آسیب ها توجه داشته و فرموده اند:

این کتاب های درسی ما ابدی نیست که باید تا آخر گفت: «ثلاثة لیس لها نهایة؛ رسائل، مکاسب، کفایة»، نه، یکروز رسایل نبود، یکروز مکاسب نبود، ملایی مثل شیخ درست شد. یکروز کفایه نبود، ملایی مثل آخوند درست شد. این چنین نیست که ما خیال کنیم تحصیل حتماً از طریق این کتاب هاست؛ نه، نگاه کنیم، عیب این کتاب ها را پیدا کنیم و یک کتاب بی عیب در اختیار بگذاریم؛ ببینیم آیا این ترتب علمی درست است یا درست نیست. اگر دیدیم درست نیست، شکل درستش را پیدا کنیم. هیئت هایی برای نوشتن کتاب، نوشتن مطالب جدید، فقه مقارن را در حوزه باب کردن، و خلاصه روش های نورا در کتاب های درسی هم به کار گرفتن، باید اختصاص پیدا کند. اینها نکاتی بود که ما می خواستیم در باب مسائل مربوط به حوزه ها عرض کنیم. اگر چه خیلی از شما آقایانی که اینجا تشریف دارید، فارغ از این مسائل هستید - چون در حوزه نیستید و در بیرون از حوزه قرار دارید - ولی اجمالاً خواستیم این مسائل در فضای فکری طلبگی ما وجود داشته باشد. (بیانات، ۱۳۷۰/۷/۳۱)

بی‌توجهی به نیازهای عصری: توجه به همه علوم مرتبط با رسالت آموزش معارف دینی، باید در صدر مسائل این مراکز قرار گیرد؛ درحالی‌که گاه متون درسی بدون توجه به نیازهای عصری باز تکرار شده، نوعی فرسودگی دانشی را برای دانش‌پژوهان این عرصه سبب می‌شود. به عبارتی، «باید با دقت در اهداف موردنظر مقاطع مختلف آموزشی حوزه، تغییر حجم برخی متون و کوتاه کردن طول مدت کلی آموزش، حرکت حوزه علمیه را برای دستیابی به اهداف متعالی تسریع کرد». (بیانات، ۱۳۷۵/۶/۱۵)

برای تحول در این بخش، به حفظ اصالت بخشی و توجه به همه علوم لازم نیاز است؛ به گونه‌ای که مستلزم رشد غیراصولی در محتوای یک ماده درسی و بی‌توجهی به برخی دیگر از مواد درسی را ایجاد نکند. باید ضمن توجه به نیازهای جامعه، بایستگی نگاه میان‌رشته‌ای را به عنوان اقتضای عصری دانست، متون حوزه را به این جهت‌دهی نزدیک ساخت و نگاهی اعتدالی جهت دستیابی بدان در پیش گرفت:

تغییر کتاب درسی لازم است، حتماً هم باید تغییر پیدا کند؛ در این هیچ شکی نیست. استدلالی که یکی از برادران ما اینجا ذکر کردند، من یادداشت کردم؛ استدلال بسیار متینی است که اگر قرار بود ما کتاب درسی را عوض نکنیم، باید همان «معالم» را می‌خواندیم، دیگر «قوانین» چرا نوشته شد؟ «رسائل» چرا نوشته شد؟ «فصول» چرا نوشته شد؟ «کفایه» چرا نوشته شد؟ خوب، این درست است؛ الآن هم همین است. الآن هم بایستی حتماً کتاب درسی تغییر کند؛ بایستی کاری کرد که هم طلبه، فهمیدن مطلب باشد، نه فهمیدن عبارت. هیچ هنری نیست در اینکه ما عبارت را جوری مغلق بگیریم، یا اگر تعمداً هم مغلق بگیریم، بی‌مبالاتی کنیم که عبارت بشود مغلق، تا طلبه مبالغی وقتش صرف این کار بشود. این چه هنری است؟ این چه لطفی دارد؟ چه خیری در این نهفته است. نخیر، عبارت را آن‌چنان واضح بیان کنیم که آن کسی که استعداد فهمیدن مطلب را دارد، راحت از عبارت، مطلب را بفهمد. استاد هم برای تفهیم عبارت دچار مشکل نشود و فقط مطلب را بیان کند. کفایه را تبدیل کنیم به کفایه جدید؛ چه اشکال دارد؟ مکاسب را که در او شیوه

شیخ در بیان مطلب، دائم آمدورفت اجتهادی است؛ چون درس خارج شیخ انصاری است - مکاسب را دست کم نباید گرفت. حالا کی مثل شیخ انصاری است؟ این همه مکاسب نوشته‌اند. این درس خارج که حالا به صورت تدوین شده درآمده، خصوصیتش برای آن کسی که در درس خارج شیخ نشسته، خوب است؛ مطلب را دائم به این طرف بکشاند و به آن طرف بکشاند، دائم ابداع احتمال کند، ولی برای کسی که می‌خواهد فقه استدلالی را از روی متن یاد بگیرد، نه، خوب نیست؛ طلبه دچار مشکل است - تسهیل کنند. همان مطالب شیخ را بیاورند در یک کتاب دیگری، منتها سراسر است و روشن. تحقیق شیخ را در هر مسئله‌ای قشنگ بیان کنند، ولی متعبد و مقید باشند به همان که شیخ بیان کرده؛ او را بیان کنند در این کتاب جدید. این می‌شود مکاسب جدید، که لازم است. این عقیده من است. حالا ممکن است مسئولین حوزه و مدیران حوزه و بعضی از برجستگان حوزه نپسندند و این کار نشود، ولی یک‌روزی بدون تردید خواهد شد. (بیانات، ۱۳۸۶/۹/۸)

جامعیت نداشتن محتوای درسی: این از دیگر اشکالات موجود در این زمینه است بدین معنی که برخی کتاب‌ها سال‌هاست که بدون تغییر و توجه به گذر زمان، به عنوان متن بدون تغییر پذیرفته شده است. حال آنکه این کتاب‌ها امروزه دیگر پاسخگوی شبهه‌ها و نیازها نیست. مقام معظم رهبری به این مشکل توجه داشته‌اند و می‌فرمایند:

کتاب‌های درسی، یکی دیگر از مشکلات حوزه علمیّه قم و حوزه‌های علمیّه دیگر است. تا سخنی از کتاب‌های درسی می‌گوییم، می‌گویند فلان عالم بزرگ هم همین کتاب‌ها را خواند؛ حالا آنهایی که انقلابی‌ترند، می‌گویند امام هم همین درس‌ها را خواند که امام شد. آیا امام چون همین درس‌ها را خواند، امام شد؟ امام جوهر مخصوصی بود. آنچه شما در عظمت امام پیدا می‌کنید، ناشی از این نیست که این کتاب‌های درسی را خواند. وانگهی، از زمانی که امام راحل علیه السلام این کتاب‌ها را می‌خواندند، تا حالایی که من و شما می‌خواهیم این کتاب‌ها را بخوانیم، بین این دو مقطع، شصت سال، هفتاد سال فاصله

شده است. کتاب درسی جدید تولید کنید. چه اشکالی دارد که عده‌ای

بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟ (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

نبود ساختار درسی مناسب: تنظیم ساختار درسی در بازنگری و تحول این متون، از الزامات حوزه‌های علمیه است. منظور از ساختار مناسب وجود ساختار کتاب نیست؛ بلکه لازم است محتوای کتاب با هدف بسترسازی و آسان‌فهمی متن برای فراگیران بازنگری شود. این امر نیازمند وجود افرادی متبحر و آشنا به فنون تدوینگری و همچنین به آسیب‌های متون تدریسی باشد تا بتوانند به مؤلفه‌های تدریسی مانند پیش‌سازمان‌دهنده‌ها، پرسش‌هایی برای پژوهش و تفکر بیشتر، ارائه پرسش‌های میان‌متنی و پایانی و ارائه جداول مفهومی، به رفع این آسیب‌ها اقدام کنند. در چند سال گذشته، با ارزیابی‌های صورت‌گرفته در زمینه ایرادهای ساختاری از مدرسان حوزه‌های علمیه روشن شد که آن‌دسته از متن‌هایی که پیشینه بیشتری در عرصه تدریس دارند، به‌صورت جدی از داشتن ساختار محروم‌اند. اینها هرچند در زمان خود جزء بهترین متن‌های درسی شمرده می‌شدند، امروزه دیگر پاسخگوی نیازهای فراگیران نیستند.

مغلق بودن متون درسی: متون آموزشی حوزه در زمینه نوع بیان، سطح علمی و نوع نگارش نیز به بازخوانی نیاز دارد. بدین معنی که لازم است این متون با عبارت و بیاناتی روشن، متقن و مبتنی بر فهم فراگیران تدوین شود. به تعبیر مقام معظم رهبری:

بایستی کاری کرد که هم طلبه، فهمیدن مطلب باشد، نه فهمیدن عبارت. هیچ هنری نیست در اینکه ما عبارت را جوری مغلق بگیریم، یا اگر تعمداً هم مغلق نگیریم، بی‌مبالاتی کنیم که عبارت بشود مغلق، تا طلبه مبالغی وقتش صرف این کار بشود؛ این چه هنری است؟ این چه لطفی دارد؟ چه خیری در این نهفته است. خیر، عبارت را آن‌چنان واضح بیان کنیم که آن کسی که استعداد فهمیدن مطلب را دارد، راحت از عبارت، مطلب را بفهمد. استاد هم برای تفهیم عبارت دچار مشکل نشود و فقط مطلب را بیان کند. (بیانات در

دیدار علما و فضلاء حوزه، ۱۳۸۶/۹/۸)

بی‌توجهی به نیازهای فراگیران: تکیه حوزه‌های علمیه بر متون گذشتگان و رویکردی انحصاری در روش واحد آموزشی موجب بی‌توجهی به نیازهای فراگیران در متون درسی

شده است؛ به گونه‌ای که در این روند، با عنایت به اهداف گذشته بدون بازنگری جدی در اهداف و چشم‌اندازهای پیش‌رو، فراگیران با سیر واحد تغییرناپذیر موظف به گذراندن متونی هستند که گاه بدان احتیاجی نمی‌افتد. مقام معظم رهبری این ضعف متون درسی حوزه را به‌جد مورد توجه قرار داده‌اند:

مثلاً من ادبیات را عرض کنم. من نمی‌دانم اکنون ادبیات در چند سال خوانده می‌شود؛ ولی ادبیاتی را که ما در کتاب «مغنی» یا «مختصر مغنی» یا «مطول» یا «مختصر مطول» می‌خوانیم، ادبیات استدلالی است؛ یعنی راهی برای مجتهد شدن در ادبیات است و طلبه ما این را لازم ندارد. فقیه احتیاج نیست که در ادبیات مجتهد باشد. اینکه گفته‌اند در همه مقدمات اجتهاد، اجتهاد لازم است، حرف محکمی نیست. البته در بعضی‌هایش اجتهاد لازم است؛ اما در این چیزها اجتهاد لازم نیست. (بیانات، ۷۹/۷/۱۴)

از این رویکی از رسالت‌های حوزه علمیه، توجه به سطح مخاطب است که در بازنگری و تدوین متون درسی این امر مورد اهتمام جدی قرار می‌گیرد. علت این امر نیز ارتقای سطح دانشی و معلوماتی فراگیران است که بنا به اقتضائات امروزی افزایش یافته و به برخی مقدمات علوم حوزوی، همچون گذشته نیازی احساس نمی‌شود.

عدم تناسب حجم درسی با زمان یادگیری: متون رایج درسی در حوزه‌ها پس از پذیرش روند جدید آموزشی، توازن لازم از نظر حجم متون درسی با سطح فهم و زمان تحصیل را ندارد. این امر فهم عمقی فراگیر را کاهش می‌دهد و تسلط بر محتوا را دچار مشکل می‌کند. بدین صورت که برخی متون درسی دارای حجم زیاد است که به علت هدف‌گذاری نامناسب، کارآمدی لازم را برای فراگیر به ارمغان نمی‌آورد. از همین رو لازم است تحولی متناسب با زمان بهره‌وری فراگیر در متن درسی صورت گیرد.

هدف‌گذاری نامناسب: نظام آموزش حوزه با اقبال به سمت تغییر نظام سنتی خود، هدف‌گذاری روشنی فراوی خود ندارد. بدین معنی که اهداف دروس و واحدها برای فراگیران به خوبی روشن نیست. این امر سبب اقدام فراگیران به گذراندن واحدهای درسی برای رفع تکلیف خواهد بود که نتیجه‌ای جز جا ماندن از رشد علمی در پی نخواهد داشت.

از همین رو باید برای هدف‌گذاری مناسب، علوم درسی به صورت هدفمند و مدیریت‌شده، به وسیله متخصصان بازتدوین شود.

۳-۳. الزامات تدوینی متون درسی

ماهیت آموزش در حوزه‌های علمیه از زمانی که به صورت رسمی در این عرصه گام نهاد، بر کتاب و متن درسی استوار بود. در طی این سال‌ها نه تنها چندان تغییری در متون اصلی رخ نداد؛ بلکه بدون توجه به جنسیت در فرایند یادگیری آموزشی، همان کتاب‌ها گاه با حفظ ساختار ظاهری، بدون داشتن مؤلفه تدوینی ارائه می‌شد. امروزه در جهان به کمک فناوری‌های دانشی، به بهینه‌سازی آموزش متناسب با مخاطبان رو آورده‌اند. کاوش در سخنان مقام معظم رهبری بیانگر ضرورت توجه به این الزامات محتوایی در تدوین متون درسی بوده که در جدول شماره ۳ آمده است.

مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
الزامات تدوینی دروس	الزامات سازماندهی محتوا	توجه به زمان در تدوین متون درسی
		تهیه متن متناسب با زمان
		تدوین کتب درسی در سطوح مختلف
		توجه به عمق در تدوین متون درسی
	الزامات تألیف و تدوین محتوا	اتقان متون درسی
		تأکید بر فهم تحقیقی متون به جای حفظ کردن
		به روز، کوتاه و کارآمد
		پرهیز از بی عمق شدن در متون درسی
	الزامات ظاهری	بهره گیری از شیوه های تازه در متون درسی با فشرده کردن متون
		یادگیری کارآمد کوتاه و به روز بودن دروس
		حذف یا اضافه کردن برخی متون درسی
		تغییر ظاهر درس

جدول شماره ۳: کدهای «الزامات تدوینی دروس»

الزامات سازماندهی محتوا: «اتقان»، «تحقیقی بودن»، «به روز بودن»، «کارآمد بودن»، «توجه عمقی به محتوا» و «تدوین عصری محتوا» مهم‌ترین مؤلفه یا الزامات تدوینی است که در بیانات معظم‌له بدان توجه شده است:

نظام درسی در حوزه باید کوتاه و کارآمد و به‌روز شود. من قبلاً هم راجع به مسئله برنامه‌های درسی حوزه عرض کرده‌ام که بنده به‌هیچ‌وجه طرف‌دار رقیق کردن، بی‌عمق کردن و بی‌سواد بار آوردن طلبه نیستم؛ اشتباه نشود. من می‌گویم این دوره‌ای را که ما طی می‌کنیم، می‌تواند با استفاده از شیوه‌های جدید، فشرده‌تر شود. مثلاً من ادبیات را عرض کنم. من نمی‌دانم اکنون ادبیات در چند سال خوانده می‌شود؛ اما ادبیاتی را که ما در کتاب «مغنی» یا «مختصر مغنی» یا «مطوّل» یا «مختصر مطوّل» می‌خوانیم، ادبیات استدلالی است؛ یعنی راهی برای مجتهد شدن در ادبیات است و طلبه ما این را لازم ندارد. فقیه احتیاج نیست که در ادبیات مجتهد باشد. اینکه گفته‌اند در همه مقدمات اجتهاد، اجتهاد لازم است، حرف محکمی نیست. البته در بعضی‌هایش اجتهاد لازم است؛ اما در این چیزها اجتهاد لازم نیست. شما باید بدانید که این کلمه به چه معنا به کار می‌رود. این قدر چیزهای متفق علیه در ادبیات وجود دارد. «چرا این جمله یا این کلمه به این معنا به کار می‌رود؛ فلان نحوی این طور گفته است، این هم استدلالش؛ فلان کس دیگر این گونه گفته، این هم استدلالش»؛ شما به اینها چه احتیاجی دارید؟ (بیانات،

(۱۳۷۹/۷/۱۴)

الزامات ظاهری: «بهره‌گیری از شیوه‌های جدید»، «تغییر شکل ظاهر درس»، «فشرده کردن مطالب»، «کوتاه کردن مطالب»، «حذف موارد اضافی و غیرضروری» از مهم‌ترین الزامات مؤثر در ساختار و ظاهر متون درسی است که مقام معظم رهبری بدان توجه نشان داده‌اند. تحول و نوآوری در نظام آموزشی متناسب با تحولات گسترده علم و فناوری و پاسخگویی هوشمندانه نظام تربیت به آن در شرایط کنونی، ضروری به نظر می‌رسد و اسناد بالادستی در حوزه متوجه این نوع دگرگونی هستند و با عنایت به جهت‌گیری‌های مقام معظم رهبری، خود را در این مسیر حس کردند که باید آموزش فناوری‌ها در اولویت آموزش تدوین‌کنندگان کتاب‌های درسی قرار گیرد و به آن توجه همه‌جانبه شود؛ بدین معنی که از

نظر معظم له، دوره‌های آموزشی در حوزه با استفاده از شیوه‌های جدید، به صورت فشرده‌تر ارائه شود. (بیانات، ۷۹/۷/۱۴)

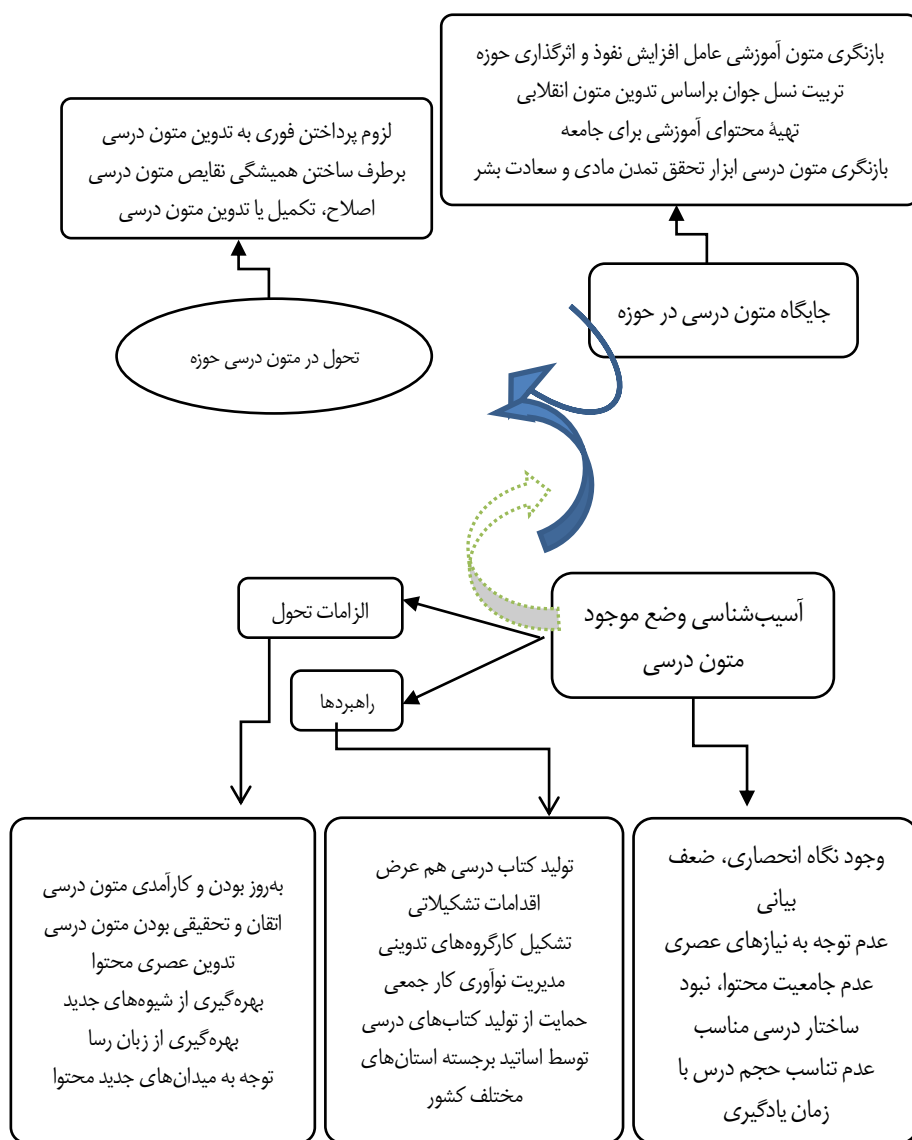
تدوین برنامه‌ریزی مدون در راستای اهداف نظام آموزشی - پژوهشی حوزه و توجه به برنامه درسی و بازنگری و بازمهندسی ساختارها و رویه‌های متناسب با نیاز مخاطبان جهت ارتقای بهره‌وری و افزایش کارایی به عنوان یک هدف کلان باید مدنظر قرار گیرد.

توجه به میدان‌های جدید: همیشه در طول تاریخ بافت زمانی و موقعیتی بر نگارش متون اثرگذار بوده است. این اثرگذاری گاه از زاویه نفوذ حواشی به متون و متناسب با سلاقی حاکمان وقت بوده و گاه بیانگر تحولات عصری و نیازهای زمان بوده است؛ برای نمونه، در گذشته تدوین کتاب گاه برای پاسخگویی به شبهه‌های آن دوره نوشته می شده است. امروزه به نوعی دوران انفجار اطلاعات است و این امر در کنار تهدیدهایش، فرصت‌های تازه‌ای برای مخاطبان فراهم کرده و توانسته است میدان‌های تازه آموزشی و پژوهشی را نیز بگشاید. نظام‌های آموزشی در جهان می‌کوشند از این فرصت به دست آمده برای کارآمدی محتوا هماهنگ با سطح مخاطبان خود استفاده کنند. حوزه علمیه نیز از این امر مستثنا نیست. تدوین متون و تألیف کتاب‌های جدید یکی از اقداماتی است که حوزه‌های علمیه باید برای ارتقای آموزشی خود بدان بیندیشند. از همین رو لازم است برخی متون درسی که نیاز بیشتری بدان احساس می‌شود جایگزین متون کمتر حساس شود:

از جمله آنچه به نظرم بسیار لازم می‌آید، تاریخ است. هیچ لزومی ندارد که تاریخ را درس بدهیم؛ می‌توان تاریخ را به عنوان کارهای فوق برنامه طلاب گذاشت؛ منتها از آنها امتحان کرد و در پیشرفته‌ای حوزه‌ای آنها دخالت داد. طلاب باید با تاریخ و عمدتاً تاریخ صدر اسلام آشنا باشند. این بسیار مهم است. تاریخ تحلیلی ده ساله زندگی پیغمبر، از جمله بخش‌های بسیار روشنگر برای همه ذهن‌هاست. تاریخ مشروطیت، از دوره مشروطه تا امروز و امثال اینها هم مهم است. البته بخش‌ها و مقاطع دیگری هم از تاریخ هست که مهم است و من نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم. (بیانات، ۷۹/۷/۱۴)

بهره‌گیری از زبان رسا در انتقال داده‌ها: کتاب‌های درسی همچون رسانه ارتباطی، ضلع سومی از نظام آموزشی را در چرخه آموزش در گذشته داشتند (محتوا، معلم، فراگیر) ولی امروزه لزوم استفاده از زبان رسا در انتقال داده‌ها موجب شده است که نه تنها در نظام آموزش رسمی به ورود دو رکن دیگر نیازمند باشیم، بلکه در حوزه‌های علمیه نیز دو رکن «تجهیزات و ابزارها» و «برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی» برای پویایی و تحول خود را به چرخه سه‌گانه آموزشی تحمیل کرده که بهره‌گیری از آن ناگزیر است؛ به گونه‌ای که در فاصله کوتاهی که آموزش‌ها به علت وجود بیماری کرونا به سمت بهره‌گیری از این دو رکن رفت، شاهد انتقال داده‌ها به زبانی رساتر بودیم. همین تجربه کافی است تا برای بازنگری و سپس تدوین نوین آموزشی گام برداریم و برای افق‌های پیش‌رو برنامه‌ریزی کنیم.

اهتمام به تنوع آموزشی عصری: نظام آموزشی در حوزه علمیه مانند دیگر نظام‌های آموزشی کشور، نظامی متمرکز بر متن و کتاب درسی است. رشد سریع علوم و فناوری، تغییر سریع در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تفاوت در سطح فهم فراگیران چنان ضرورت دارد که کتاب درسی مطابق با اهداف اسناد بالادستی بازنگری شود. باتوجه به این مطالب، الگوی تحول متون درسی با نظر به بیانات معظم‌له در نمودار شماره ۱ آمده است.



نمودار شماره ۱: الگوی تحول متون درسی از نظر مقام معظم رهبری

نتیجه گیری

یافته های این مقاله علاوه بر اینکه با یافته های ملکی (۱۳۹۶) و قندیلی (۱۳۸۹) همسو است، با برخی از یافته های شفیع پور و تدین (۱۳۹۲)، نیز سازگار است. یافته های آنها حاکی از آن است که انطباق محتوای گزینش شده با مجموعه قواعد شکلی و نحوه

سازماندهی آن، باید به گونه‌ای تنظیم شود که در زمان مشخص شده در برنامه درسی، به نحو مؤثر و کامل و با سرعت شناختی متوسط فراگیران، قابلیت یادگیری و درک بوده و براساس علایق و نیازها و کاربردی بودن محتوا گزینش اطلاعات به دست آمده صورت گیرد.

نکته مهم برآیند این پژوهش این است که تولید علم و بازنگری در متون علمی به علوم حوزوی اختصاص ندارد و امروزه همه مراکز آموزش اعم از آموزش و پرورش تا آموزش عالی به توجه جدی مسئولان نیاز دارند. احیای تمدن نوین نوین اسلامی با نظر به رکن علم و دانش، نیازمند دانش بومی است. اشاعه، انطباق و رشد پارادایم دانش، فناوری، هنجارهای رفتاری و ارزش عملی در موقعیت و بستر خاص جامعه اسلامی، موجب بومی شدن دانش متناسب با ظرفیت‌های اسلامی خواهد شد و جامعه را به سمت تحقق تمدنی نوین سوق خواهد داد.

اکنون، محتوای آموزشی این مراکز علمی دارای ظرفیت و توانمندی‌هایی هستند که مهم‌ترین عرصه برای معرفی فرهنگ اسلامی و نهادینه کردن ارزش‌های جامعه خواهند بود. به تعبیری برنامه‌های آموزش و پرورش، مراکز حوزوی و مراکز علمی دانشگاهی هریک می‌توانند از فرهنگی اسلامی و هویت دینی در برابر آنچه آنها را تهدید می‌کند، محافظت کند. این برنامه‌ها با انتقال میراث فرهنگی، از گسستگی‌ها و دوری از هویت اسلامی جلوگیری می‌کند.

بنابراین، علم از مقوله‌های مهم در بالندگی تمدن اسلامی است؛ بازتولید محتوای آموزشی از راه فراگیری دستاوردهای تمدنی جدید و بومی‌سازی آن با صبغه اسلامی است که امید به نوسازی و احیای تمدن اسلامی را در بطن جامعه زنده خواهد کرد. ازاین‌رو معیارهایی برای مقوله تولید و تدوین محتوای درسی شناسایی شد که این معیارها عبارت‌اند از: مدت زمان ارائه، نوع زبان ارائه محتوا، نوع ساختار محتوا، سطح دانش، نوع دانش، شرایط یادگیرنده، میزان بهره‌مندی از فناوری‌های آموزشی، وجود کتاب‌های راهنمای یادگیری و آموزش، نوع نظام آموزشی حضوری یا غیرحضوری، استاد محوری یا شاگرد محور بودن آموزش. همه این معیارها بر کمیت محتوای کتاب درسی و نوع سازماندهی و

چینش محتوای آن مؤثرند. این موضوع نیز با یافته‌های اشرفی و آخوندی (۱۳۹۰)، قنذیلی (۱۳۸۹)، سراجی و همکاران (۱۳۹۲) و کارآمد (۱۳۹۰) همسو است. یافته‌ها به دلیل مبتنی بودن مقوله‌ها به فحوای عالم برجسته حوزه‌های علمیة معاصر و تطبیق آنها با آموزه‌های دینی و مسائل روز، تنها به زمینه مجموعه تدوین متون حوزه‌های علمیة خواهران و برادران وابسته نبوده و قابلیت کاربرد در موقعیت‌های گوناگون، به‌ویژه سازمان برنامه‌ریزی و پژوهش کشور، سازمان نشر کتاب‌های درسی دانشگاهی (سمت) دارد و می‌تواند شاخص‌های مهم برای ترسیم و تدوین خط‌مشی تحولی تدوین متون درسی و ارتقای کیفیت نظام آموزشی را فراهم سازد.

به‌عنوان پیشنهادی پژوهشی برای انجام مطالعه کیفی در زمینه تحول متون درسی با نظر به رویکرد تمدنی از دیدگاه مقام معظم رهبری، می‌توانید از رویکردهای زیر استفاده کنید:

۱- تحلیل محتوای متون درسی: بررسی محتوای متون درسی از دیدگاه تمدنی و ارزیابی آنها از نظر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی. این تحلیل به شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف متون درسی و ارائه پیشنهادها برای بهبود آنها کمک می‌کند؛

۲- مصاحبه با متخصصان و استادان: برگزاری مصاحبه‌های کیفی با متخصصان و استادان حوزه آموزش و پرورش و تحصیلات عالی برای شناخت نگرش‌ها و دیدگاه‌های آنها درباره تحول متون درسی و نقش تمدن اسلامی در این تحولات؛

۳- تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و پیام‌های مقام معظم رهبری، بررسی سخنرانی‌ها و پیام‌های مقام معظم رهبری درباره آموزش و پرورش و تحول متون درسی و استخراج مفاهیم و اصول تمدنی برای ارتقای محتوای متون درسی؛

۴- مطالعه موردی متون درسی: انتخاب چند متن درسی مورد نظر و تحلیل عمیق آنها از دیدگاه تمدن اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود محتوا؛

۵- انجام گروه‌های تفسیر قرآنی شامل برگزاری گروه‌های تفسیر قرآنی با مدرسان و

دانشجویان به منظور شناخت نگرش‌ها و دیدگاه‌ها به تحول متون درسی از دیدگاه تمدن اسلامی.

این روش‌ها می‌توانند به شما کمک کنند تا از دیدگاه تمدنی اسلامی و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول متون درسی بهترین نتایج را به دست آورید.

کتابنامه

احمدی، حسن سعید. (۱۳۹۴). تحول در سیستم حوزه علمیه به سمت حوزه علمیه تمدن ساز برای تولید سیستم‌های اسلامی (ظرفیت‌های تمدن‌سازی). کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۴، ۱۳۳۶-۱۴۰۱.

اشرفی، عباس، و آخوندی، فاطمه (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی آموزش دینی در دانشگاه از دیدگاه اساتید، رهیافت انقلاب اسلامی، ۵(۱۷)، ۱۳۳-۱۴۵.

اکبری، مرتضی، و رضایی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.

ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>.

خنیر، حسین، و مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). روش‌های پژوهش کیفی. تهران، انتشارات نگاه دانش.

دیبایی صابر، محسن، کارآمد، حسین، و طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸(۴۷)، ۸۷-۱۰۵.

رضوی، مرتضی (۱۳۸۹). درباره تحول در حوزه علمیه به مناسبت مطالبات مقام معظم رهبری در مسافرت به قم. سمات، ۱(۳)، ۴۸-۵۶.

شفیع‌پور، فرهاد، مطلق، و تدین، مریم (۱۳۹۲). بررسی ابعاد پداگوژیکی اسلامی کردن برنامه‌های درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۰(۳۷)، ۳۳ تا ۴۵.

واکاوی «تحول متون درسی» با نظر به رویکرد تمدنی از دیدگاه مقام معظم رهبری / زهرا آبیاری / (۲۱۱-۱۸۱) ۲۱۱

عالمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶). رهیافتی بر تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه سیدحسین نصر. تاریخ و تمدن اسلامی، ۲(۶). ۱۵۷-۱۸۲.

فوزی، یحیی، و صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳(۹)، ۷-۴۰.

قندیلی، سیدجواد (۱۳۸۹). بررسی الگوی سازمان‌دهی برنامه درسی جاری سطح یک حوزه علمیه و ارائه ویژگی‌های مطلوب آن باتوجه‌به رویکرد تلفیقی مضمون‌محور. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱(۱)، ۱۰۹-۱۳۲.

کارآمد، حسین (۱۳۹۰). در جست‌وجوی راهکارهای تدوین متون درسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها. انسان‌شناسی، ۲(۱۰)، ۱۶۰-۱۲۷.

مفتخری، حسین (۱۳۷۹). تمدن اسلامی، مبانی و مؤلفه‌های اساسی آن. تاریخ اسلام، ۱(۲)، ۳-۶.

ملکی، حسن (۱۳۸۴). شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی. سخن سمت، ۱۰(۱۴)، ۹-۲۲.
ملکی، حسن (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه درسی (جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی)، تهران، آبیژ.

ناصری‌راد، علی (۱۳۹۰). متون درسی و نقش آن در تحول حوزه، حوزه، ۲۸(۱۵۹ و ۱۶۰)، ۱۱۴-۱۲۷.

نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱). الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش. راهبرد فرهنگ، ۵(۱۷ و ۱۸)، ۲۹۵-۳۲۴.

یاقوتی، ابراهیم (۱۳۹۸). مؤلفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری. شاهد اندیشه، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۳۷.